

عناصر آسیب‌زا در فرهنگ ایران

دکتر علی‌اصغر احمدی



فرهنگ هر قوم، تعیین‌کننده اصلی سعادت و شقاوت، سطح زندگی و کیفیت روابط انسانی در آن جامعه است. فرهنگ جامعه، برنامه زندگی اعضای آن جامعه را معین می‌کند. این برنامه هر قدر جامع، کامل و پیش‌رو باشد، افراد جامعه نیز به همان اندازه از ویژگی‌های آن بهره‌مند شده، آثار آن در زندگی عملی ایشان تجلی پیدا می‌کند. در این جا باید فرهنگ را از لحاظ نظری و عملی متمایز ساخت. فرهنگ نظری مجموعه باورها و اندیشه‌هایی است که جنبه آرمانی داشته، در اذهان و اندیشه‌های مردم یک جامعه جریان دارد یا در متون دینی، ادبی، فلسفی و... مکتوب و مضبوط است. فرهنگ عملی برنامه‌ای است که افراد یک جامعه در عمل بدان پایبندند و در چارچوب آن، اعمال و رفتارهای روزمره خویش را سامان می‌بخشند. فرهنگ عملی و نظری، هر چند که با هم مرتبط‌اند، اکثر اوقات، دو مقوله متمایز از یکدیگر به شمار می‌آیند. در جامعه‌ای چون جامعه ایران، مردم از فرهنگ نظری بسیار غنی، جامع، رشد‌یابنده و رشد‌دهنده‌ای برخوردارند، لیکن عمل‌آحاد جامعه در اکثر مواقع بر اساس چنین فرهنگی شکل نمی‌گیرد. مردم در مقام کلام و به هنگام مباحثات نظری، بیش‌تر در سطح فرهنگ نظری خود را حفظ می‌کنند، ولی به

هنگام عمل به شیوه دیگری رفتار می‌کنند. فرهنگ نظری ما بر راست‌گویی و راست‌کرداری تأکید دارد، ولی آیا این دو صفت در عمل مردم ما به شکل مطلوب جاری است؟ فرهنگ نظری ما بر استغنا و رضا تأکید می‌کند، ولی آیا مردم ما در عمل هم چنین‌اند؟ و بسیاری سؤالات دیگر که می‌تواند بیانگر تفاوت میان آن‌چه بدان می‌اندیشیم و آن‌چه بدان عمل می‌کنیم، باشد.

طرف عناصر و اجزای مطلوب است که با تأکید بر منفی‌گرایی به‌هنگام ارزیابی رفتارها و شخصیت انسان‌ها مورد بررسی قرار می‌گیرد.

برای توضیح بیش‌تر لازم است توجه داشته باشیم که هر چیزی را می‌توان به لحاظ کیفی، یا کمی درجه‌بندی کرد و آن را بر اساس ملاک‌های مورد نظر از خوب تا بد و یا از کم تا زیاد درجه‌بندی نمود. به عنوان مثال سیب‌های داخل یک جعبه را می‌توان از مرغوب‌ترین تا نامرغوب‌ترین، درجه‌بندی کرد و حتی آن‌ها را براساس همین ملاک در کنار هم چید. دانش‌آموزان یک کلاس را بر اساس ملاک‌های مختلف می‌توان از بهترین تا بدترین، یا از بالاترین تا پایین‌ترین درجه، طبقه‌بندی کرد. رفتارهای یک فرد را هم می‌توان به همین شکل ارزش‌یابی و طبقه‌بندی کرد: از مطلوب‌ترین رفتار تا نامطلوب‌ترین، از سازگارانه‌ترین رفتار تا ناسازگارانه‌ترین و...

کسی که می‌تواند چنین طبقه‌بندی‌یی را از رفتارها یا صفات ارائه کند، معمولاً قادر است هر جزء را در مقام و جایگاه خود مورد توجه قرار دهد. یک رفتار، در درجه‌بندی خود، از رفتار بالاتر از خود کم‌ارزش‌تر می‌باشد، ولی در مقایسه با رفتار پایین‌تر از خود از ارزش بالاتری برخوردار است. ممکن است فردی از لحاظ یک صفت رفتاری، در بین دانش‌آموزان یک کلاس، فرضاً رتبهٔ دهم را بیاورد ولی بر اساس صفت دیگر رفتاری، مقام اول را کسب کند. کسی که می‌تواند انسان‌ها را بر اساس چنین صفات یا رفتاری طبقه‌بندی کند، لاجرم قادر است جایگاه هر فرد را نیز به خوبی تشخیص دهد.

بدین ترتیب کسی که نتواند این گونه طبقه‌بندی را سازمان دهد، به ناچار به یکی از دو

به هر حال برای کاویدن نقاط ضعف و قوت یک جامعه، مشکل را نباید در فرهنگ نظری آن جامعه جست‌وجو کرد، بلکه باید به سراغ عمل و رفتار مردم یک جامعه رفت و به آنچه آنان در عمل بدان مقیدند و از خود بروز می‌دهند، توجه کرد. ما در این نوشته به دنبال آنیم که برخی از عناصر آسیب‌زا در فرهنگ عملی مردم ایران را مورد کاوش قرار دهیم. عناصری که می‌تواند آسیبی فراگیر بر آحاد جامعه وارد کند. آنانی که در اندیشهٔ جامعهٔ خویش‌اند و ایرانی آباد، آزاد، سرفراز و الهی را جست‌وجو می‌کنند، ناگزیر از توجه به این عناصرند. این عناصر باید چون میکروبی خطرناک و یک بیماری مهلک در نظر گرفته شوند و به همت همگان از این سرزمین ریشه‌کن گردند. این عناصر آسیب‌زا عبارت‌اند از:

۱- منفی‌گرایی^۱

منفی‌گرایی دارای معانی متعددی است. یکی از معانی آن مقاومت در مقابل نظریات و پیش‌نهادهای دیگران است که آن را منفی‌گرایی انفعالی^۲ نیز می‌نامند. معنای دیگر آن تمایل به انجام کار بر خلاف روند معمول و رایج است. به این نوع منفی‌گرایی، منفی‌گرایی فعال^۳ گفته می‌شود. ویژگی برجستهٔ این دو نوع منفی‌گرایی، به ویژه آن‌گاه که به وسیلهٔ نوجوانان انجام می‌گیرد، نداشتن علت مشخص برای این مقاومت است. منفی‌گرایی به هر نظام فلسفی‌یی که بر مبنای اصول منفی بنا نهاده شده باشد نیز اطلاق می‌شود (ربر^۴، ۱۹۸۵).

در این جا مقصود از منفی‌گرایی معنای دیگری متفاوت از سه معنای بالا است. منفی‌گرایی مورد بحث در این نوشتار به معنی گرایش فرد به عناصر و اجزای نامطلوب در مقایسه با گرایش فرد به

هم‌چنین بسیاری از اولیا وقتی که رفتارهای فرزندان خود را مورد توجه قرار می‌دهند، بی‌اختیار به طرف بدترین رفتارها سوق پیدا می‌کنند. اگر فرزندی، وقتی که به خانه می‌آید، برخی از وسایلی را در جای خود قرار دهد و برخی از آن‌ها را در زمین رها کند، اکثر پدران و مادران آن‌چه را که او در جای خود قرار داده است مورد توجه قرار نمی‌دهند، بلکه درست به آن‌چه او در زمین رها کرده توجه می‌کنند. یعنی در مقایسه با بهترین رفتار، متوجه بدترین رفتار می‌شوند.

مورد دیگر این است که به جز عده‌ای از دانش‌آموزان که وضعیت تحصیلی بهتری دارند، اذهان کارکنان مدارس اغلب به طرف بدترین دانش‌آموزان میل پیدا می‌کند. گویی در این بین عده‌ی زیادی دانش‌آموز وجود ندارد که نه

رأس انتهایی توجه خواهد داشت: به بالاترین یا پایین‌ترین، به مطلوب‌ترین یا نامطلوب‌ترین. "وقتی کسی بیش‌ترین گرایش خود را در طبقه‌بندی افراد، به طرف نقطه‌ی پایین نشان می‌دهد، می‌توان او را منفی‌گرا نامید."

بهتر است برای عینی‌تر شدن مطلب، مثال‌هایی از رفتارهای رایج در میان مردم را بیان کنیم.

بسیاری از اولیا وقتی کارنامه‌ی فرزندان خود را می‌گیرند، بی‌اختیار به پایین‌ترین نمرات توجه می‌کنند و اولین عکس‌العمل‌های آنان در مقابل این‌گونه نمرات شکل می‌گیرد. در حالی که همان‌ها می‌توانند نمرات را از بالاترین تا پایین‌ترین طبقه‌بندی کنند و به جای آن که در درجه‌ی اول به پایین‌ترین نمره توجه کنند، ابتدا به بالاترین نمرات و بعد به نمرات پایین بپردازند.



بهترین‌اند و نه بدترین. این دسته از دانش‌آموزان به شدت مورد غفلت واقع می‌شوند. از این دست رفتارها در بین مردم ما بسیار وجود دارد. اگر بخواهیم با دیدی تیزبین آن‌ها را مورد کاوش قرار دهیم به موارد بسیاری برخورد می‌کنیم. در این قسمت برخی دیگر از این‌گونه رفتارها را مثال زده، پس از آن به بررسی نتایج حاصل از این منفی‌گرایی می‌پردازیم.

اگر کسی در جامعه ما عمل نادرست و خلافی مرتکب شود، بسیاری از مردم هرگاه که یادی از او می‌کنند، بی‌اختیار به عمل خلاف او می‌اندیشند. گویی این شخص در سراسر عمرش هیچ رفتاری جز همین خلاف انجام نداده است. سوق پیدا کردن ذهن به طرف جنبه منفی شخصیت و رفتار چنین فردی، اغلب با غفلت از جنبه‌های مثبت شخصیت او همراه است.

بسیاری از کسانی که امروزه دربارهٔ جوانان سخن می‌گویند، بی‌اختیار بدترین و منحرف‌ترین جوانان را مدنظر قرار می‌دهند و چنین افرادی را به عنوان الگوی نسل جوان در نظر می‌گیرند. یعنی هر چند که ممکن است مواردی همچون موفقیت‌های علمی برخی از آنان را در عرصه علم و ورزش نیز متذکر شوند، لکن وقتی به غیر از این دسته می‌اندیشند، ذهنشان به سمت نامطلوب‌ترین آن‌ها سوق پیدا می‌کند.

خلاصه آن‌که اگر ذهن ما در تصور یک پدیده، بالاخص هنگامی که دانش‌آموز، جوان یا انسان بزرگ‌سالی را مورد توجه قرار می‌دهیم، به طرف بدترین سوق پیدا می‌کند، به این معناست که منفی‌گرایی بر ذهن ما حاکم شده است. منفی‌گرایی در اصل نوعی سوگیری در شناخت است. به عبارت دیگر، موجب شناخت غیرواقعی از

اگر کسی در جامعه ما عمل نادرست و خلافی مرتکب شود، بسیاری از مردم هرگاه که یادی از او می‌کنند، بی‌اختیار به عمل خلاف او می‌اندیشند. گویی این شخص در سراسر عمرش هیچ رفتاری جز همین خلاف انجام نداده است. سوق پیدا کردن ذهن به طرف جنبه منفی شخصیت و رفتار چنین فردی، اغلب با غفلت از جنبه‌های مثبت شخصیت او همراه است.

بسیاری از کسانی که امروزه دربارهٔ جوانان سخن می‌گویند، بی‌اختیار بدترین و منحرف‌ترین جوانان را مدنظر قرار می‌دهند و چنین افرادی را به عنوان الگوی نسل جوان در نظر می‌گیرند. یعنی هر چند که ممکن است مواردی همچون موفقیت‌های علمی برخی از آنان را در عرصه علم و ورزش نیز متذکر شوند، لکن وقتی به غیر از این دسته می‌اندیشند، ذهنشان به سمت نامطلوب‌ترین آن‌ها سوق پیدا می‌کند.

آثار سوء منفی‌گرایی

منفی‌گرایی آثار سوئی دارد که هر یک از آن‌ها می‌تواند تأثیری ماندگار بر رفتار مردم و فرهنگ جامعه داشته باشد. این آثار سوء را می‌توان به صورت زیر بیان کرد:

۱- توجه به رفتارهای منفی موجب می‌شود کودکان و بزرگسالان به طور ناهشیار به طرف جلب توجه منفی کشیده شوند. همهٔ انسان‌ها نیازمند جلب توجه مثبت دیگران‌اند. توجه مثبت یعنی توجه به دیگران با نگرشی تأیید و تحسین کننده. وقتی که به صفات مثبت سایرین توجه کرده، آن‌ها را مورد تحسین و تشویق قرار می‌دهیم، نیاز آن‌ها به توجه را به شکل مثبت و سازنده پاسخ داده‌ایم. ولی وقتی کسی یا کسانی را با دید مثبت نگاه نکرده، بلکه به عکس، آن‌ها را با دید منفی بنگریم، به آنان القا می‌کنیم که رفتار غلطشان را استمرار بخشند. آن‌ها به خود می‌گویند: "وقتی نمی‌توانم توجه مثبت جلب کنم،

می‌اندیشید که امروز بزرگسالان در مورد جوانان می‌اندیشند. آن‌ها نیز خود زمانی که جوان بودند، با قضاوت مشابهی مورد داوری قرار می‌گرفتند.

برای قطع این داوری‌های نادرست، لازم است به جای منفی‌گرایی، به سمت واقع‌گرایی سوق پیدا کنیم و بدانیم جوانان امروز، که به اعتقاد من بسیار بهتر از جوانان نسل پیش‌اند، بزرگسالان فرادیند. بنابراین اگر امروز با نگرش واقع‌بینانه به آن‌ها بنگریم و در مورد آنان قضاوت کنیم، آن‌ها را به سمت اصلاح نگرش پیش برده‌ایم و در غیر این صورت آنان را آماده کرده‌ایم که هم به نسل قبل و هم به نسل بعد از خود با سوء ظن بنگرند. برای مبارزه با منفی‌گرایی، متفکرین و دست‌اندرکاران فرهنگی جامعه باید تفکری با قابلیت بازگشت‌پذیری را در جامعه تقویت کنند و به همگان بیاموزند که پدیده‌ها را در طیف و گستره خود در نظر بگیرند و تنها به یکی از دو قطب خوب و بد توجه نکنند.

در شماره آینده به فردگرایی به عنوان یکی دیگر از عناصر آسیب‌زا در فرهنگ ایران خواهیم پرداخت.

پی‌نوشت‌ها:

- 1- NEGATIVISM
- 2- PASSIVE NEGATIVISM
- 3- ACTIVE NEGATIVISM
- 4- REBER, ARTHUR, S.
- 5- REVERSIBILITY

منبع:

REBER, ARTHUR, S. DICTIONARY OF PSYCHOLOGY, (1985) REPUBLISHED BY ROSHD PUBLISHING INSTITUTE TEHRAN, IRAN (1968).

پس ناگزیر باید توجه منفی را جلب کنم، هر چه باشد بدنامی بهتر از گم‌نامی است.

وقتی چنین نگرشی بر جامعه حاکم شود، افراد با انجام اعمال غلط در پی جلب توجه خواهند بود، نه با انجام اعمال درست و مورد پذیرش جامعه.

۲- منفی‌گرایی موجب اضمحلال تدریجی رفتارهای درست و ناامیدی دست‌اندرکاران خواهد شد. کسی که نمی‌تواند بالاترین باشد و نمی‌خواهد بدترین هم باشد، اگر مورد توجه و تقویت جامعه قرار نگیرد، یا به سمت پایین تمایل پیدا می‌کند و یا در سالم‌ترین شکل ممکن به صورت فردی گوشه‌گیر و بریده از جامعه در خواهد آمد. چنین فردی حداقل، تحرکش را برای بهتر عمل کردن از دست می‌دهد. دانش‌آموزان بسیاری که در مدرسه نمی‌توانند شاگرد اول شوند، اگر برای آن‌چه دارند مورد توجه قرار نگیرند، به مرور زمان یا در سلک کسانی در می‌آیند که رفتار نادرستی دارند و از این طریق جلب توجه می‌کنند یا این که با محیط خود احساس بیگانگی و غریبی خواهند کرد. اینان غریبه‌های شهر و دیار خودند.

۳- منفی‌گرایی موجب بدبینی و سوءظن در جامعه می‌شود. وقتی ما در مورد جوانان با بدترین الگوها قضاوت می‌کنیم، به نسل جوان بدبین خواهیم شد، و این همان نکته‌ای است که پیوسته در طی نسل‌های گذشته تکرار شده است. امروز وقتی کسی در مورد جوانان با ناامیدی سخن می‌گوید و آنان را از دست رفته می‌پندارد، باید به این نکته توجه داشته باشد که در گذشته نیز در مورد خود او چنین نظر و قضاوتی وجود داشته است. نسل پیشین در مورد جوانان آن روزگار، یعنی بزرگسالان زمان حاضر، همان‌گونه